



رساله بیماری قند، عبداللطیف بغدادی، ترجمه
علی خواجه‌دهی، با مقدمه ایرج افشار و غلامرضا
بنابی، تهران، ۱۳۸۹ش.

یونس کرامتی



عبداللطیف بغدادی یکی از دانشمندان نامدار سده ششم هجری است که آثار پزشکی شایان توجهی نیز از او بر جای مانده است. رساله بیماری قند ترجمه فارسی یکی از آثار پزشکی او موسوم به رساله فی المرض المسمی بالدیابیطس است که در ۱۹۷۲م (یا ۱۹۸۲م؟) به همت پول غلیونجی و سعید عبده در ضمن مجموعه مقالاتان فی الحواس و مسائل الطبیعیة به چاپ رسیده است. مترجم چنان که از مقدمه ایرج افشار برمی‌آید، پزشکی است که به مناسبت تحصیل در رشته پزشکی در اتریش با زبان آلمانی و نیز در پی سالی چند تلمذ نزد مفتیان سیستان و بلوچستان با زبان عربی به حدی که باید تسلط یافته و به درخواست غلامرضا بنابی (رئیس مؤسسه دیابت کالیفرنیا) به ترجمه این رساله دست زده است. عنایت پزشکان عربی‌دان به ترجمه آثار پزشکی

عربی دوره اسلامی، پدیده‌ای نسبتاً نو و مبارک است که نگارنده این سطور، به عنوان کسی که از دور دستی بر آتش و دلبستگی خاصی به تاریخ پزشکی دارد آن را موهبی بزرگ تلقی می‌کند. البته در آثاری که این پزشکان عربی‌دان به فارسی برمی‌گردانند، معمولاً اشکالاتی ناشی از عدم تسلط آنان به تاریخ پزشکی به چشم می‌خورد که گمان دارم در برابر فواید این پدیده قابل اغماض باشد و البته امید دارم که این بزرگان در فرصت مقتضی به رفع این نقیصه نیز بپردازند.

رساله دیابت عبداللطیف اثری مختصر است، چندان که ترجمه آن در قطع رقعی تقریباً ۲۴ صفحه است که البته اگر با فاصله و فونت معمول و متناسب منتشر می‌شد شاید از بیست صفحه رقعی تجاوز نمی‌کرد. با افزودن مقدمه‌ها و حواشی مختلف در نهایت مجموعه‌ای ۱۲۰ صفحه‌ای بدین صورت پدید آمده است: ۱. مقدمه ایرج افشار در شناساندن مترجم (علی خواجه‌دهی)، ۲. مقدمه غلامرضا بنابی، خواستار ترجمه اثر از عربی به فارسی (۲۲ صفحه)، ۳. مقدمه کوتاه علی‌اصغر حلبی، ۴. مقدمه کوتاه دیگری از مترجم، ۵. ترجمه مقدمه کوتاه مصححان متن عربی، شرح حال عبداللطیف بغدادی (که در واقع بی‌آنکه تصریح شود ترجمه شرح حال مندرج در متن عربی است اما یادداشتهایی به آن افزوده شده است)، ۶. ترجمه متن رساله عبداللطیف و حواشی مربوط به آن، ۷. نقد و بررسی (۷ صفحه)، ۷. و سرانجام فهرست منابع مورد استفاده مترجم (۳ صفحه)، و ۸. چاپ تصویری رساله (۵ صفحه).

فهرست منابع مورد استفاده مترجم البته ناقص و نحوه استناد به منابع نیز نادقیق است. به طور مثال نگارنده اشاره نکرده که منظور از تاریخ طب (دست کم در دو جلد) کدام کتاب است. مؤلف گرچه به بهره‌گیری از ترجمه آلمانی اثر تصریح کرده، اما میزان این بهره‌گیری برای خواننده مشخص نشده و در مجموع خواننده متن فارسی در نمی‌یابد که کدام توضیحات و حواشی کار خود مترجم فارسی است و کدامین آنها برگرفته از توضیحات مصححان متن عربی یا مترجم عربی به آلمانی. البته بدیهی است که ارجاعات متعدد مترجم به لغتنامه دهخدا و برخی مداخل دائرةالمعارف بزرگ اسلامی یقیناً از افزوده‌های مترجم فارسی است. در نهایت به گمان من این اثر می‌تواند برای دوستداران و علاقه‌مندان پزشکی اسلامی مفید واقع شود و امید دارم که از این پس نیز شاهد انتشار چنین آثاری باشم.



فیروزشاهنامه، به روایت محمد بیغمی، به
کوشش ایرج افشار و مهران افشاری، تهران،
نشر چشمه، ۱۳۸۷ش.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو



فیروزشاهنامه دنباله داستان دارابنامه محمد بیغمی است که دکتر ذبیح‌الله صفا حدود پنجاه سال پیش از این روی آن کار کرده و در سالهای ۱۳۳۹-۱۳۴۱ به چاپ رسانده است. اتفاقاً ترجمه عربی قدیم این داستان در چهار مجلد تحت عنوان «قصه فیروزشاه بن الملک ضاراب» در بیروت به چاپ رسیده است و شاید دکتر صفا نیز باید عنوان کتاب قبلی را به همین صورت می‌نگاشت تا با دارابنامه طرسوسی اشتباه نشود.

به هر حال پرداختن دانشمندان ذوفنون به داستانهای عامیانه چیزی غریب نیست. علاوه بر دکتر صفا در ایران کسانی چون جعفر شعار (روی حمزه‌نامه)، دکتر خانلری (روی سمک عیار)، محمدجعفر محجوب (روی امیر ارسلان و دیگر قصه‌های عامیانه)، دکتر حسین اسماعیلی (روی ابومسلم‌نامه و حاتم‌نامه) کار کرده‌اند. استاد ایرج افشار نیز به نوبه خود به نشر اسکندرنامه تحریر قدیم و حسین کرد و قصه ابن تراب پرداخته‌اند و آخرین کار (مشترک با مهران افشاری) همین فیروزشاهنامه می‌باشد.

این اثر از قرن نهم هجری است، اما پیداست که منشأ بسیار قدیمی‌تر دارد و در نثر ارزشمند آن بس واژه‌ها و تعبیرات و نکات فرهنگی و دستوری و سبک‌شناختی کهن می‌توان یافت که در مقدمه کتاب و نیز فهرس آخر

کتاب که بدانها اشاره شده است و کتاب را برای اهل تحقیق نیز جذاب می‌سازد.

عیار در این کتاب خصوصیات شبیه سمک عیار دارد اما در عین حال نشانه‌هایی از آنچه بعداً در نسیم عیار و حسین کرد خواهیم دید در حوادث این کتاب به چشم می‌خورد؛ یعنی آن چهره آرمانی قدری چین و آژنگ بر می‌دارد، همچنانکه در واقع اجتماعی و تاریخی نیز چنین بوده است.

از نکات مهم این کتاب (و نیز سمک عیار) رفتار سپاهیان اشغالگر هنگام ورود به شهری است که گشوده می‌شود: «فیروزشاه گفت بروید و رعیت را میازارید» (ص ۴۷۳). جای دیگر می‌گوید: «من به هر مملکت که رفتم اولاً با آن قوم حجت گرفتم تا گناه از طرف ما نبوده باشد» (ص ۵۸۰). و جای دیگر: «ما را با مال رعیت کاری نیست اما آنچه مال در خزانه است از آن من است» (ص ۶۱۵). در اینجا شاهزاده فاتح مال خزانه تصرف شده را بر لشکر بخش می‌کند: «در آن حوالی سپاه غلبه بود به جمع مال آمدند». منظور کسانی است که به عنوان سپاهی لکشر و «حَسَر» همراه سپاه می‌شدند. «اردوبازار» نیز تعبیر دیگری از اینان است.

البته آن چنان که انتظار می‌رود وقتی هزاران سپاهی غربت کشیده به شهری می‌ریختند بسا تجاوزها و قتل و غارتها خارج از دستور و قاعده کار رخ می‌داده است. حتی گاه پیش از پیروزی نهایی به تاراج مشغول می‌شدند که این خلاف آیین جنگ بود. «ملک بهمن حکم کرد تا از هر طرف نقیبان منادی کردند که وای بر جان آن کسی که به غارت مشغول شود. اول در عقب دشمنان بروید و اسیر کنید تا کار دشمن را تمام کنید، آنگاه به غارت مشغول شوید. ایرانیان دست از غارت برداشتند و در عقب دشمنان می‌رفتند، ایشان را در بیابان پراکنده کردند و چندان که خواستند و توانستند بکشتند و اسیر کردند و چند فرسنگ در چند فرسنگ مرکب و سلاح و خیمه و سراپرده بود که در آن بیابان ریخته بود... شب نزدیک بود و ایرانیان در آن بیابان افتاده بودند و مال جمع می‌کردند ... تا وقتی روز شد و عالم روشن شد» (ص ۱۷۵). امرای دولت نزد ملک بهمن آمدند و آنچه آورده بودند بر ملک بهمن عرض کردند. ملک بهمن گفت: هر کس که چیزی گرفته است از آن اوست هیچ کس را مزاحم نشوید (ص

معرفی فهرس تازه منتشر شده

کتابخانه مجلس

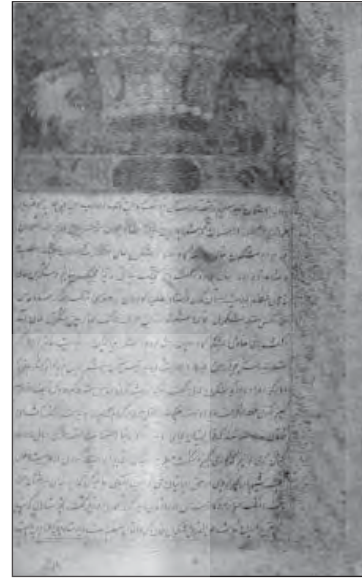
علی صفری آق قلعہ

سالیانی پیش از این که نگارنده در صدد تصحیح یکی از متون برآمده بود، برای گرفتن نسخه‌های آن اثر به آستانه چندین کتابخانه شرفیاب شد و هر بار پس از اینکه دانست نسخه‌های سده سیزده و چهاردهمی موجود در آن کتابخانه‌ها تا چه اندازه ارزشمند است و گرفتن تصویری سیاه و سفید از آنها نیازمند چه مجاهدت‌ها و ریاضتهایی است، از این درخواست خود شرمند گشته و به همان نسخه‌های بی‌ارزش سده هفتم و هشتم هجری که تصویرشان را زنده‌یاد مینوی و برخی دیگر از بزرگان از خارج ایران تهیه کرده بودند بسنده نمود.

بعدها که در میراث مکتوب طرحی برای چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌های مهم و ارزشمند ایجاد شد، با مدیران برخی از کتابخانه‌ها تفاهم‌نامه‌هایی برای دریافت تصویر نسخه‌هایشان به امضا رسید. از جمله مدیر کتابخانه یک مسجد و مدرسه عالی در تهران که با این طرح موافقت نمود.

تجربه به ما ثابت کرده بود که داوری بر روی نسخه‌ها با توجه به مندرجات فهرس چندان اطمینان‌بخش نیست و باید نسخه‌ها را از نزدیک بررسی کرد و لذا این جانب مأمور شد تا دو نسخه مورد نظر مرکز را در آنجا بررسی کند. پس از گذار از هفت‌خان نگهبانها اذن دخول به کتابخانه صادر شد و پس از مدتی جستجو مسئول مخزن خطی را یافتیم. پس از اینکه سرکار خانم در جریان قرار گرفتند که چنان تفاهم‌نامه‌ای میان میراث مکتوب و آن کتابخانه امضا شده، نام آن دو نسخه را از بنده استفسار فرمودند و این حقیر نیز بی‌خبر و با خاطر آسوده نام نسخه‌ها را به سمع مبارک ایشان رسانیدم. چشمتان روز بد نبیند؛ ایشان با شنیدن نام آن دو نسخه برآشفته گشته و نگاهی غضب‌آلود به سراپای این حقیر سراپا تقصیر افکنده و فرمودند که اینها «نسخه‌های صندوقی» ما است و نمی‌توان آنها را مشاهده نمود؛ من — یعنی ایشان — باید با آقای رئیس در این باره صحبت کنم و بعد به این ناچیز فهماندند که دیگر ایستادن در آنجا ضرورتی ندارد.

۱۷۶). اما در تقسیم اسیران «ملک بهمن حکم کرد تا آنچه کودکان و زنان ماهروی بودند جمله را بر امرای دولت قسمت کرد و از برای کسانی که دریند بودند نگاه داشتند و دیگران را جمله هلاک کردند...» (ص ۱۷۷).



این است تصویر گویایی از جنگها که چندین قرن جریان داشته است.

از نکات مهم تاریخی این کتاب که در کتب تاریخ نیامده اما در قصه‌های همچون سمک عیاز آمده است، محاصره شهرها و جنگ در محلات یک شهر و همچنین مشارکت مردم در حمله خارجی برای دفاع از شهر و یا گاهی همکاری با مهاجمان است (صفحات ۳۳۷ و ۲۰۷ را برای نمونه ببینید).

در پایان، ضمن آرزوی توفیقات بیشتر برای مصحح و ناشر، نمونه‌ای از نثر عالی کتاب را که حاوی یک تمثیل معروف است نقل می‌کنیم: «روزی گرگی و روباهی و اشری به همراهی یکدیگر می‌رفتند و هر سه گرسنه شدند و ایشان را یک گرده نان بیشتر نبود. گفتند هر کس که بزرگ‌تر باشد، این گرده نان حق او باشد. گرگ گفت من از شما بزرگ‌ترم. پیش از آفرینش عالم هفت روز من از مادر زاده‌ام. روباه گفت: در آن وقت که تو از مادر در وجود آمدی من با پدرت دوستان برویم و به یک جا نشسته بودیم که خبر ولادت ترا به پدرت رسانیدند، یعنی من از تو بزرگ‌ترم. اشری گردن دراز کرده، گرده نان برداشت و گفت: هر که را چشم بصیرت باشد بدانند که من از شما بزرگ‌ترم» (ص ۳۲۴-۳۲۵).



گزارش میراث

نیست. استاد حائری — که خداوند سلامتشان بدارد — هر چند سختگیریهایی در ارائه تصویر نسخه‌ها داشتند اما با امانتداری و دلسوزی بسیار به نگهداری این مجموعه ارزشمند پرداختند و به راستی بر موجودی این گنجینه کم‌نظیر افزودند و دیگران نیز همچینین. اما آنچه در طول دوره مدیریت حجت‌الاسلام رسول جعفریان در کتابخانه مجلس روی داد به راستی یک خدمت بزرگ بوده است.

۲. طرح بزرگ دیگر که در طول این مدت در کتابخانه مجلس به انجام رسیده، فهرست‌نگاری نسخه‌های فهرست نشده آن مجموعه است که با شتابی درخور پیگیری شده و دنباله آن نیز در دست انجام است.

همانگونه که گردآوری نسخه‌های ارزشمند از وظایف اصلی کتابخانه‌ها است — به ویژه مجموعه‌های دولتی که با همین رسالت پایه‌گذاری شده‌اند — به همان اندازه شناسایی و فهرست‌نویسی نسخه‌ها نیز از اهمیت برخوردار است. کتابخانه مجلس در طول این سالیان به رسالت نخستین به میزان مطلوبی عمل کرده بود اما در بخش دوم کاستی‌هایی دیده می‌شد. مهم‌ترین عاملی که سد این راه بود، اندک‌شمار بودن فهرست‌نویسان کتابخانه بود که باید برای آن چاره‌ای اندیشیده می‌شد.

در سالهای اخیر چاره هوشمندانه‌ای برای حل این دشواری اندیشیده شد؛ بدین‌گونه که تصمیم گرفته شد برای فهرست‌نویسی نسخه‌های آن مجموعه از توان علمی فهرست‌نویسان بیرون از کتابخانه نیز بهره بر گرفته شود. با همین هدف تنی‌چند از فعالان این عرصه دعوت به همکاری شدند و نتیجه این کار، نگارش و چاپ چندین جلد از فهرس کتابخانه بوده است که در اینجا قصد شناسایی آنها را داریم.

از آنجا که در نگارش فهرست‌های چاپ شده اخیر از شیوه‌ای یکسان پیروی شده، ساختار کلی معرفی نسخه‌ها در همه مجلدات یکسان است؛ بدین‌گونه که نخست شماره نسخه یا مجموعه درج شده و در ذیل این شماره به ارائه نام و مشخصات کتابشناسانه اثر — یا آثار — مندرج در آن نسخه پرداخته شده و در نهایت نیز ویژگی‌های نسخه‌شناسانه آن دستنویس ثبت شده است. البته در ذیل هرکدام از این دو بخش نیز آگاهی‌های دیگری به دست داده شده است. مثلاً در بخش متن‌شناسی به یادکرد مشخصات نویسنده، مهدی‌الیه و احیاناً چاپهای

بنده در آنجا فقط توانست جسارت کند و به سمع مبارک ایشان برساند که این نسخه چند سالی پیش از آن توسط یک نفر فرانسوی با استفاده از نسخه همان کتابخانه تصحیح و چاپ شده است. البته بنده یک جسارت دیگر هم به خرج داد و آن اینکه در ذهن خود اندیشید مرغ همسایه اگر سیمرغ نباشد بی‌گمان از طاووس کمتر نیست.

به هر حال در طول این سالها و پس از استهلاک هفت جفت کفش آهنی و هفت دست عصای آهنی، تازه داشتیم به مفهوم اصطلاحاتی چون «اذن مخصوص» و «تعهدنامه» و... پی می‌بردیم که ناگهان اتفاقی رخ نمود. می‌گفتند یک جای این شهر، بهارستانی هست و آنجا یک بره‌گه کاغذ به نام «کارت ملی» را که نوعی پروانه است جلوی یک دستگاه که نور قرمزی از آن ساطع می‌شود قرار می‌دهی و ناگهان دروازه کاخی به رویت گشوده می‌شود که درونش پر از نسخه‌های خطی است.

ما که معمولاً از داشتن هرگونه پروانه و سهمیه‌ای محروم هستیم دست در کشکول خود فروبردیم تا دستارچه‌ای از آن برآوریم و به حال خود گریستن آغازیم اما با شگفتی دریافتیم که دستی از غیب برآمده و یک عدد از آن پروانه‌ها در کشکول ما نهاده است و شگفتا که صورتگری مانی‌دست، شبیه ما را نیز بر روی آن به مژه مور بل به پر حور نقش کرده بود. القصه رفتیم و شنیده‌ها را به دیده سر مشاهده کردیم. تفاوت میان آن برخوردها و این بلندنظرها انسان را ناخودآگاه به ستایش وامی‌داشت و لذا دست بر قلم بردیم.

در این چند سال اخیر برای خدمات‌رسانی به پژوهشگران دگرگونیهایی بنیادین در کتابخانه مجلس پدید آمده که مهم‌تر از همه دو طرح را می‌توان برشمرد:

۱. تهیه تصاویر دیجیتالی از نسخه‌ها و ارائه آسان و ارزان این تصاویر به پژوهشگران که اگرچه در یک جمله کوتاه بیان می‌شود اما کاری است کارستان. هم تهیه تصویر از چند هزار نسخه خطی در مدتی کوتاه و با کیفیتی مطلوب و هم از میان برداشتن اندیشه‌های تنگ‌نظرانه، انحصارطلبانه و گزینش‌گرانه در زمینه ارائه نسخه‌های خطی به پژوهشگران.

البته روی سخن با مدیران پیشین کتابخانه مجلس

آن اثر و آگاهی‌هایی از این قبیل پرداخته شده و اگر نسخه مورد نظر یک مجموعه بوده، شماره صفحات آغاز و انجام آن اثر در مجموعه نیز ثبت شده است. در بخش نسخه‌شناسی نیز به ارائه آگاهی‌هایی چون اندازه‌ها و شمار صفحات و سطرها و همچنین ویژگی‌های هنری نسخه پرداخته شده است.

بنابراین در شناسایی هر نسخه اطلاعات اصلی مربوط بدان درج شده و بسته به میزان تجربه و دانش هر کدام از فهرست‌نویسان نیز آگاهی‌های بیشتر به دست داده شده است. البته با توجه به اینکه فهرست‌نویسان این مجلدات از آگاهان این رشته هستند و برخی از ایشان جزو بهترین فهرست‌نویسان این مرز و بوم و بلکه جهان به شمار می‌آیند، می‌توان بیشتر فهرست‌ها را دارای استانداردهای لازم برای این کار دانست.

در اینجا به ثبت مشخصات هر کدام از فهرست‌ها به ترتیب شماره مجلدات می‌پردازیم؛ با این توضیح که عنوان عمومی این مجلدات - یعنی فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی - را در آغاز فهرس درج نکرده‌ایم:

جلد ۴ قدیم: تألیف عبدالحسین حائری و سوسن اصیلی، نسخه‌های شماره ۱۲۰۶ - ۱۶۸۴. این جلد در واقع تجدید چاپ جلد چهارم فهرس مجلس با افزوده‌ها و تجدید نظر است. از آنجا که از چاپ این جلد سالها می‌گذرد دسترسی بدان دشوار بود و چاپ دوباره آن - به‌ویژه که با بازبینی نیز همراه شده - کاری سودمند بوده است.

جلد ۲۰: نگارش سیدجعفر حسینی اشکوری، نسخه‌های شماره ۶۴۱۱ - ۷۰۰۰.

جلد ۲۴/۲ [مجموعه اهدایی سید محمدصادق طباطبایی]: نگارش سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، شامل نسخه‌های تک‌متنی از مجموعه یاد شده است که شماره‌های میان ۷۱۷ - ۱۳۲۶ را در بر می‌گیرد.^۱

جلد ۲۷/۲: نگارش محمود نظری، نسخه‌های شماره ۸۲۰۱ - ۸۴۰۰.

جلد ۲۸: نگارش سید جعفر حسینی اشکوری، نسخه‌های شماره ۸۴۰۱ - ۸۸۰۰.

جلد ۳۰: نگارش ابوالفضل حافظیان بابلی، نسخه‌های

شماره ۹۲۰۱ - ۹۶۰۰.

جلد ۳۱: نگارش ابوالفضل حافظیان بابلی، نسخه‌های

شماره ۹۶۰۱ - ۱۰۰۰۰.

جلد ۳۲: نگارش محمود نظری، نسخه‌های شماره

۱۰۰۰۱ - ۱۰۴۰۰.

جلد ۳۳/۱: نگارش محمود طیار مراغی، نسخه‌های

شماره ۱۰۴۰۱ - ۱۰۸۰۰.

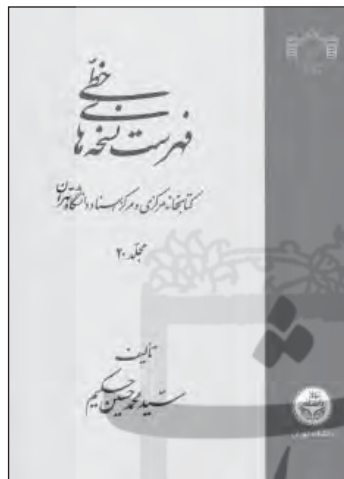
جلد ۴۰/۲ [از مجموعه اهدایی محمدعلی کریم‌زاده

تبریزی]: نگارش حسین متقی، نسخه‌های شماره ۴۰۱

- ۵۱۰.

جلد ۴۱: نگارش سیدصادق حسینی اشکوری،

نسخه‌های شماره ۱۴۵۰۱ - ۱۴۹۰۰.



صفحه‌آرایی فهرست‌ها نیز به شیوه دوستونی و با اندازه فونت نسبتاً کوچک انجام شده که موجب شده تا از سطح هر صفحه نهایت استفاده صورت گرفته و به میزان قابل توجهی از حجم فهرست‌ها کاسته شود؛ ضمن اینکه جلوه زیبایی نیز به صفحات بخشیده است.

کتابخانه مجلس را به راستی می‌توان گنجینه‌ای از نفائس نسخ خطی دانست که ارزشهای آن تا حدود زیادی بر پژوهشگران پوشیده مانده بود. اکنون با تلاش مدیریت کتابخانه و کارکنان و پژوهشگران آن مجموعه شرایطی فراهم آمده تا دیگر پژوهشگران نیز بتوانند از این گنجینه ارزشمند بهره بر گرفته و به خواست خداوند در راه شناسایی میراث ایرانی و اسلامی گام‌های استوارتری بردارند. ■

۱. با این توضیح که نسخه‌های این مجموعه اهدایی دارای شماره مستقل از نسخه‌های مخزن اصلی کتابخانه است. نیز نسخه‌های در قالب «مجموعه» در فهرسی جداگانه شناسانده شده است.



خلاصه‌الهیات، ملا احمد تتوی، به کوشش نسرین عصمت، انجمن ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م.

مریم فلاحتی موحد

خلاصه‌الهیات، اثری است ارزشمند در شرح حال و بیان عقاید حکما که ناتمام مانده است. این کتاب به قلم ملا احمد یا قاضی احمد تتوی (وفات: ۹۹۶ق/ ۱۵۵۸م) یکی از برترین مورخان امامیه می‌باشد. وی در شهر تته از ایالت سند که امروز جزو کشور پاکستان است زاده شد. تاریخ ولادتش در هیچ یک از مآخذ و کتابهای تاریخی نیامده است، در جوانی از مذهب حنفی که آیین پدرانش بود روی برگرداند و به تشیع گرایید و اعتقاد راسخ و تعصب او بر آیین تشیع سبب قتل او به دست میرزا فولاد برلاس شد. قاضی احمد در مقبره میر حبیب‌الله لاهور مدفون شد.

دیگر آثار تتوی عبارت است از: بخش اعظم تاریخ الفی؛ رساله در تحقیق تریاق و فاروق؛ رساله در اخلاق، رساله در اسرار حروف و رموز اعداد؛ احسن‌القصص و دافع‌الغصص در تاریخ؛ همچنین اثر دیگری به نام مرآة‌العالم که قاضی احمد در خلاصه‌الهیات به آن اشاره می‌کند ولی در هیچ یک از مآخذ و آثار او نیامده است.

تتوی خلاصه‌الهیات را به دستور حکیم ابوالفتح گیلانی (متوفی: ۹۹۷ق) از حکما و بزرگان دربار اکبری نگاشت و بدو نیز تقدیم کرد. از آنجا که کتاب مشتمل بر شرح حال حکما، اطبا، علما و آرا و عقاید آنان می‌باشد از نظر تاریخ علم اهمیت به‌سزایی دارد و می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین کتب حکمی، اخلاقی تاریخی و علمی و طبی از جهت بیان خلاصه افکار پیشینیان و دانشمندان در دوره‌های مختلف به شیوه مستند و معتبر دانست.

روش تألیف او این است که نخست نام حکیم یا فیلسوف را می‌آورد، سپس به شرح احوال و زندگانی او می‌پردازد و چکیده افکار و عقایدش را بیان می‌کند، آنگاه خود به اظهارنظر در باره آن فیلسوف می‌پردازد.

کتاب حاوی مقدمه، پنج فتح، دو مقصد و یک خاتمه است. تتوی عنوان و موضوع هر یک از آنها را در مقدمه ذکر کرده است، اما در نسخه‌های موجود مقصد دوم و خاتمه نیامده است و کامل‌ترین نسخه‌ها در سرگذشت سقراط به پایان می‌رسد.

دکتر عصمت نسرین، مصحح این اثر، استاد زبان و ادب

فارسی دانشگاه پیشاور در پاکستان، در مقدمه، شرح مفصلی از اوضاع سیاسی و ادبی عصر قاضی احمد تتوی، زندگانی، ولادت، قتل و آثار او بیان کرده است؛ وی همچنین در بررسی خلاصه‌الهیات به نکاتی درباره رسم‌الخط و خطاهای کاتب در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نکات دستوری، به کارگیری ترکیبات عربی، لغات یونانی و سریانی اشاره کرده است.

فتح اول: در بیان چگونگی آفرینش عالم و خلق آدم تا ظهور خاتم (ع) است. نخست اقوال منکران آفرینش عالم را بررسی می‌کند سپس با در نظر گرفتن نظرات گوناگون در زمینه مدت زمان بین خلقت آدم تا ظهور خاتم به ذکر هشت دولت که در این فاصله زمانی ظهور می‌کنند، می‌پردازد.

فتح دوم: در ذکر فرق حکما و ارباب ملل و نحل است. از جمله عقاید فلاسفه دهریه و حکمای الهی.

فتح سوم: تعریف حکمت و بیان اقسام اصلی و فرعی آن و ذکر حکمای بلندمرتبه است.

فتح چهارم: آغاز صناعت طب و نخستین قوم که پزشکی را شناختند، چگونگی پیداشدن تریاق و فاروق، فادزهر و مومیایی.

فتح پنجم: حدود یونان از نظر تاریخ و جغرافیای آن. مقصد اول: در این مقصد نسبتاً طولانی تتوی به ذکر حکمای پیش از ظهور اسلام می‌پردازد. او از آدم (ع) به عنوان نخستین حکیم یاد می‌کند و سپس زندگی و عقاید حکمایی چون شیث، انوش بن شیث، قینان بن انوش، مهلان بن قینان، بردبن مهلائیل، هرمس الهماسه، هرمس بابلی، هرمس مصری، ادريس، اسقلیبوس نبی، ایلق حکیم شرح می‌دهد. موارد دیگری که در این مقصد به آن پرداخته شده عبارت‌اند از: اسامی روحانیت آفتاب، خلاصه مقام، فضایل چهارگانه، احوال سلطین عبرانی، ذکر فینحاس بن العازربن هارون الکاهن، لقمان حکیم، ثالیس ملطی، انکسیمانس حکیم ملطی، انبادقلس حکیم، فیثاغورس، سقراط.

مقصد دوم: سرگذشت فلاسفه و خاتمه: در ذکر آرای فلاسفه است که مطالب آن در دسترس نیست.

خلاصه‌الهیات از نظر مطالب کتابی دقیق است و نکته بارز آن توجه خاص قاضی تتوی نسبت به مآخذ اثرش می‌باشد. وی از کتابهای نادر و نیز روایات باستانی ایران (خاصه در تاریخ پزشکی) یاد می‌کند ولی کتب احادیث را نام نمی‌برد که از جمله مآخذ اوست.

دانشنامه دریای خزر

The Caspian Sea Encyclopedia, Igor S. Zonn, Andrey G. Kostianoy, Aleksey N. Kosarev, Michael H. Glantz, Springer Verlag, Berlin, Heidelberg, 2010, xi+525 p.

عسکر بهرامی

نیاز عمومی به دسترسی سریع و آسان به اطلاعات اجمالی - و در عین حال مستند و قابل اعتماد - در باب موضوعات مختلف، تدوین دانشنامه و به ویژه دانشنامه‌های تخصصی را ضروری ساخته است. موج تدوین دانشنامه - که به ایران نیز، اما به گونه‌ای دیگر، راه یافته - به پدید آمدن دانشنامه‌های گوناگون موضوعی و، در پاره‌ای موارد، چندرسانه‌ای، انجامیده است.

در زمره همین دانشنامه‌های تخصصی و موضوعی، به تازگی اثری انگلیسی‌زبان با عنوان *The Caspian Sea Encyclopedia* (دانشنامه دریای خزر) منتشر شده که اهمیت آن برای پژوهشگران حوزه ایران آشکار است. این اثر دومین دانشنامه مجموعه دانشنامه‌های یک‌جلدی مربوط به دریاهای حوزه شوروی سابق است که انتشارات مشهور اشپرینگر آلمان تدوین و انتشار آنها را در برنامه خود قرار داده است: نخستین کتاب از این مجموعه «دانشنامه دریای آرال» بود که در ۲۰۰۹ منتشر شد و سومین آنها هم که قرار بوده در ۲۰۱۰ منتشر شود، «دانشنامه دریای سیاه» نام دارد.

دانشنامه دریای خزر با مقدمه‌ای (ص ۷۱-۷۰) حاوی معرفی اثر و توضیحات نویسندگان آغاز می‌شود، از صفحه ۱ تا ۴۶۰ مدخلها درج شده‌اند، و از صفحه ۴۶۱ تا ۵۱۷ گاهنگاری رویدادهای مهم تاریخی منطقه از سده هفدهم (از زمان پتر کبیر) تا سده بیست یکم آمده است. نکته جالب آنکه سیر این رویدادها به انتشار همین کتاب در سال ۲۰۱۰ ختم می‌شود. گفتنی است که مهم‌ترین رویدادهای منطقه از روزگار باستان تا سده هفدهم نیز در مقدمه این بخش معرفی شده‌اند. در انتهای کتاب هم فهرست منابع (ص ۵۱۹-۵۲۱) و فهرست اختصارات (ص ۵۲۴-۵۲۵) درج شده و دهها تصویر سیاه و سفید و رنگی از موضوعات مطرح شده در کتاب، و از جمله چندین نقشه (و همگی با ذکر مأخذ) در جای‌جای کتاب گنجانده شده است.

مآخذ او عبارت‌اند از: کتاب الاطوف (ابومعشر، وفات ۲۷۲ق)، کنزالحکمة یا ترجمه تاریخ الحکماء شهرزوری، عیون‌الادباء فی طبقات الاطباء (ابن ابی صیبعه، ولادت ۶۰۰ق)، طبقات‌الامم، هرویش (پاولوس اوروسیوس، ۴۰۵ق)، الملل و النحل (شهرستانی، وفات ۵۴۸ق)، و فیات الایمان و ابناء‌الزمان (ابن خلکان، ۶۰۸-۶۸۱ق)، احیاء علوم الدین (غزالی، ۴۵۰-۵۰۵ق)، رساله الطیر (ابن سینا، ۳۷۰-۴۲۸ق)، اخلاق جلالی (جلال‌الدین دوانی، سده نهم هجری)، اخلاق ناصری (خواجه نصیرالدین طوسی، ۵۹۷-۶۷۲ق)، تاریخ الحکماء بیهقی (ظهیرالدین بیهقی، ۵۹۵ق)، تاریخ طبری، نفایس الفنون (شمس‌الدین محمد آملی، تألیف ۷۴۲ق)...

سبک نگارش قاضی تنوی عالمانه و متمایل به نثر فنی است و بیشتر به سجع پرداخته است که تحت تأثیر بسیار منابع خود می‌باشد. این حال نثر او از هرج و مرج دوره تیموری مصون نمانده است. خلاصه‌الحویات بیشتر مشتمل بر چند و اندرز است و در قسمتهای مختلف عقاید و افکار عرفانی را با آیاتی از قرآن و احادیث پیامبر با دلایل محکم شرح می‌دهد و گاه شعری نیز به عنوان استشهاد می‌آورد و سرانجام فصل را به درود بر پیامبر و آل او و یا یک جمله دعایی پایان می‌دهد.

از خلاصه‌الحویات چندین نسخه خطی بر جای مانده که از جمله باید از نسخه شماره ۲۵۹۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره ۵۵۹۳ کتابخانه مجلس، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۲۸۲۸ کتابخانه ملی و شماره ۲۰۰۱ کتابخانه ملک و نسخه ۶۳۲ کتابخانه گنج‌بخش پاکستان نام برد.

دکتر نسرین در تصحیح و بررسی این اثر با در نظر گرفتن نسخه‌های موجود، مبانی کار خود را دو نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار داده است؛ وی به افتادگیهای این نسخ نیز اشاره کرده است.

منابع:

تنوی، ملا احمد، خلاصه‌الحویات، به کوشش نسرین عصمت، انجمن ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م. تاریخ الفی، به کوشش سید علی آل داود، صص ۳۰-۳۵. شوشتری، نورالله، مجالس‌المومنین، جلد ۱، ص ۵۹۰. ■



بوداسف شناخته شده بود. تزارویچ یوزافات، که کهن‌الگوی بودا به شمار می‌آمد، قدیمی مسیحی شد و کلیسای ارتدکس روسی در ۱۹ نوامبر یادش را گرامی می‌دارد. سپس افزوده‌اند: «در قلمرو فدراسیون روسیه، بودیسم در [جمهوریها و نواحی خودمختار] بوریات (Buryatia)، تووا (Tuva) یا تووین، و کلموکستان (Kalmykia)، رواج دارد که در این آخری دین رسمی است» (ص ۹۰).

دو مدخل با عنوان «آمو دریا» هست: اولی نام نشریه وزارت امور خارجه ایران، و دیگری رود مشهور جیحون که ذیل آن اطلاعات جالبی (هر چند با اشتباهاتی، نظیر املاي خود نام «جیحون»، نک ادامه) آمده است.

انتظار می‌رود مدخل «دریای خزر» (Caspian Sea) بسیار طولانی باشد، اما به دلایلی چنین نیست. ذیل خود Caspian Sea نخست چند نام مشهور آن ذکر شده و بقیه مقاله عمدتاً دربردارنده مطالبی در باره محدود و مسائل ژئوپلیتیکی آن است. دیگر مطالب را خواننده می‌تواند، زیر عنوانهای دیگر بخواند: مثلاً اطلاعات کلی درباره سواحل آن را ذیل Caspian Sea Coasts (که البته هر یک از نامهای جغرافیایی مستقلاً هم مدخل شده)، جریانهای آب و هوایی را زیر عنوان Caspian Sea Currents، و مبحث سطح آب دریای خزر را زیر عنوان Caspian Sea Level. این در حالی است که بحث آلودگی دریای خزر نیز در مدخلی مستقل (Caspian Sea Pollution) آمده است.

با این روش خرد کردن مقالات بزرگ به بخشهای کوچک، امکان دستیابی خواننده به اطلاعات لازم سریع‌تر می‌شود و دیگر خواننده نیازی ندارد مقاله‌ای چندین صفحه‌ای را — که گاه به اندازه یک کتاب است — زیر و رو کند تا به مطلب مورد نظر دست یابد.

از بخشهای خواندنی، یکی هم مدخل نسبتاً بلند «نقشه‌های دریای خزر» (Caspian Sea Mapping) است (ص ۱۲۱ تا ۱۲۶) که تاریخچه جالبی از روزگار باستان تاکنون می‌دهد، و دیگری «نامهای دریای خزر» (Caspian Sea, Names) که در آغاز آن چنین آمده است: «شمار نامهای این دریا در طول تاریخ، به دستکم پنجاه الی شصت نام، و با احتساب صورتهای مختلف هر نام، تا هفتاد می‌رسد.» کهن‌ترین نام، همان «کاسپی» است، برگرفته از نام مردمانی که در هزاره نخست پیش از میلاد در پیرامون این دریا می‌زیستند. مطلب مهم

گروهی متشکل از چهار استاد تدوین این اثر را برعهده داشته است: ایگور زون، آندری کُستیانوی، آلکسی کُساریف، هر سه از مسکو و مایکل گلانتز از دانشگاه کلرادوی امریکا. نکته شایان توجه اینکه همگی متخصصان علوم زیستی و محیطی هستند، با این همه، همچنان که با ذکر مواردی نشان داده خواهد شد — در مدخلهای تاریخی و و نیز در مباحث نام‌شناختی — به رغم پاره‌ای کاستیها — مطالب خواندنی و سودمند بسیاری می‌توان یافت. به ویژه از نظر گستره نامهای دریای خزر در فرهنگها و زبانهای گوناگون — تا آنجا که در مقایسه با آثار مشابه دریافته‌ام — این اثر منبعی آکنده از اطلاعات است.

همین جا باید افزود که تقریباً همه نامهای دریای خزر مدخل شده‌اند که گاه مستقیماً به مدخل نامهای دریای خزر (Caspian Sea, Names) ارجاع داده شده و گاه پیش از این ارجاع، توضیحی کوتاه آمده است، مثلاً توضیح ذیل Ag-Deniz (آق دینیز) چنین است: «نام تاتاری دریای خزر (به معنای دریای سفید) در سده‌های هجدهم و نوزدهم» (ص ۴).

به رغم محدود بودن حوزه تخصصی نویسندگان، تنوع مقالات جالب توجه است. تقریباً همه مقولات مربوط به دریای خزر و پیرامون آن، در نظر آمده‌اند: گذشته از اعلام تاریخی و جغرافیایی که معمولاً پای ثابت دانشنامه‌ها هستند، در اینجا نام جانداران این زیست‌بوم، مراکز و نهادهای علمی و سیاسی، طرحها و توافقنامه‌ها و انتشارات و جریانهای دینی و فرهنگی هم مدخل شده‌اند. در اغلب موارد هم خود کلیت موضوع مدخل شده و هم هر یک از اجزای متعلق به آن موضوع. مثلاً در حالی که حیات گیاهی و جانوری دریای خزر (ذیل Fauna and Flora of the Caspian Sea) به اجمال معرفی شده، بیشتر گونه‌های گیاهی و جانوری آن هم مدخل دارند. جالب آنکه حتی موضوعی مانند طرح ایجاد آبراهه کشتیرانی دریای خزر به خلیج فارس نیز که در دهه ۱۳۵۰ ش مطرح شد نیز (زیر عنوان Caspian Sea - Persian Gulf Canal) مدخل شده است.

ذیل مدخل «آیین بودایی» (Buddhism) پس از معرفی مختصر این دین و آموزه‌های آن، چنین نوشته‌اند: «زندگی بودا در روسیه باستان از طریق متن قصه بلوهر و

دیگر اینکه کهن‌ترین توصیف موجود از این دریا، نوشته‌ی شاعر یونانی، هومر (۱۱۰۰ تا ۱۰۰۰ پم) است. نویسنده‌ی مقاله حتی دریای اساطیری وُزوکَشَه را که در اوستا یاد شده، همان دریای خزر می‌انگارد و این دو مورد را از کهن‌ترین اشاره‌های تاریخی به این دریا می‌شمارد. سپس یادآور می‌شود که «دریای بزرگ شرق» اشاره شده در کتیبه‌های آشوری هم همین دریاست. مورخان یونانی (که گویا نخستین آنها هرودت، در سده پنجم پیش از میلاد، بوده باشد) از دریای کاسپی یا هیرکانی یاد کرده‌اند و پس از آن، دیگران نامهایی چون دریای پارس (Persian Sea) و دریای ایرکان (Ircan Sea)، و نیز دریای آلبانی (در نوشته‌های پلینی صغیر) و Rough (توسط هوراس، شاعر رومی: ۵۶ م تا ۸ م) را برای آن به کار برده‌اند. نویسندگان عرب و دیگر نویسندگان شرقی، این دریا (بحر، و گاه نیز بحیره، یعنی دریاچه) را هیرکانی، آبسکون، دیلم، جرجان، قلزم، خزر، جیلان، گرگان، گیلان، طبرستان، سیلان، دربند، روق، مغان، خراسان، باب، ساری، ساری، طیلسان و تالش، باکو، آستراخان، غز و... نامیده‌اند. به علاوه در نوشته‌های روسی کهن هم آن را دریای آبی، خوالین یا خوالیس (از نام قومی به همین نام یا به نظر برخی نام خوارزم در روسی کهن)، نامیده، و بعدها جهانگردان در نوشته‌هایشان آن را به نامهای دیگری هم خوانده‌اند، از جمله مارکوپولو که در سده سیزدهم میلادی آن را Abakku Sea یا Sea of Abako (نامیده که به معنای دریای باکو است. نامهای ترکمنی، تاتاری و قزاقی این دریا هم جزو فهرست نسبتاً کاملی است که مقاله را خواندنی کرده است.

همچنانکه اشاره شد، پاره‌ای نادرستیها در مقالات دیده می‌شود که اغلب آنها — آنگونه که نگارنده این یادداشت از خواندن چند مدخل دریافته — ناشی از خلط نامها و مباحث یا اشتباهات تاریخی، و بقیه عمدتاً مربوط به ضبط و ریشه‌شناسی نامهاست. ذیل مدخل گیلانیان (Gilanians) نام قوم، نام دیگر آنها را Gilaki آورده‌اند که در واقع، و همچنان که در انتهای مدخل آمده، نام زبان ایشان است. نام قوم، گیل یا گیلک درست است. ذیل «عشق‌آباد» (Ashkhabad)، نام (Ashgabad) آن را متشکل از «عشق» عربی دانسته‌اند و «آباد» (بدون اشاره به فارسی بودن این نام)، و این دومی را هم به معنای شهر (city) آورده‌اند. در مقاله از ارتباط این

نام با صورت کهن «اشک‌آباد» و با اشکانیان، سخنی به میان نیامده، و تنها در ادامه اشاره شده است که عشق‌آباد امروز بر روی ویرانه‌های سکونتگاهی باستانی ساخته شده و اینکه در نزدیکی هتل ترکمنستان باستانشناسان ویرانه‌های آن را خاکبرداری کردند که از آن جمله یک دژ کوچک از اوج حکومت پارتیان بوده است.

و اما ضبط نادرست نامها، در بیشتر موارد، ناشی از تلفظ متفاوت آنها در زبان روسی (زبان اکثر نویسندگان دانشنامه) و سوء برداشت از این تفاوت است. به دلیل نبودن آوای «ه» در زبان روسی و تلفظ آن به دو صورت «خ» و «گ»، ضبط بسیاری نامها با تلفظ روسی آمده است: Bakhr برای بحر و Djeikhun برای جیحون. از سوی دیگر، همچون بسیاری از فارسی‌آموزان اهل روسیه — و حتی دیگر کشورهای حوزه شوروی سابق — پدیدآورندگان این اثر هم گمان برده‌اند که هر «گ» یا «خ» موجود در کلمات فارسی در اصل «ه» بوده است و از این رو مثلاً در همین کتاب نام استان گلستان را (البته فقط در یک مورد) به صورت Holestan ضبط کرده و نام ابن خردادبه را Ibn-Hordadbeh، خراسان را Horosan نوشته‌اند.

در ضبط نامها از نظام آوانگاری واحد و یکدستی پیروی نشده است: مثلاً نشانه c هم برای «ق» آمده (Mucan): موقان یا Cazvini: قزوینی) و هم برای «ک» (Abescun: آبسکون) در حالی که «ق» در جای دیگر با k هم آمده (مثل: Ibn-al-Fakikh: ابن فقیه، و با همان تلفظ روسی «ه» به صورت «خ»، یا Kulzum: قلزم).

دانشنامه دریای خزر با تمام کاستیهایش، منبعی مفید برای کسب آگاهی از این حوزه است. پدیدآورندگان اثر کوشیده‌اند جنبه‌های مختلف موضوع را پوشش دهند. مدخلها را آگاهانه برگزیده و در نهایت اختصار نوشته‌اند و ارجاعها و حتی منابع را هم ذکر نکرده‌اند، جز در موارد لازم، آن هم تنها با ذکر نام آثار کهن، و بدین ترتیب توانسته‌اند کاری قابل استفاده — و به ثمر رسیده — و در عین حال جامع عرضه کنند. به نظر می‌رسد این اثر گذشته از محتوایش که دسترسی به آن از طریق ترجمه فارسی ضروری است، از نظر ساختار و حجم نیز می‌تواند الگو خوبی باشد برای کارهای مشابهی که در کشور انجام می‌شود، به ویژه برای بازنگری در طرحهایی که به سبب طول و تفصیلشان هنوز به نتیجه نرسیده‌اند. ■



کتابشناسی سام میرزا صفوی

حسین مسرت

پیش درآمد

سام میرزا (متولد ۹۲۳ق) فرزند شاه اسماعیل اول، و یکی از شاهزادگان دانشمند عصر صفوی است که از خردسالی همراه برادرش شاه تهماسب با اصول اولیه نویسنده‌گی آشنا شد و هر دو موفق به نگارش تذکره‌ای از سخنوران عصر خود شدند. سام میرزا زیر نظر خواجه محمد مؤمن که خود سخنوری توانا بود، با مبادی ادب آشنا شد. وی بر اثر دانش‌اندوزی نزد مریبان کارکشته خود، نه تنها خط تعلیق را خوش می‌نوشت، بلکه به شعر سرودن نیز پرداخت و نمونه اشعاری که از خود در پایان تذکره تحفه سامی آورده، گویای شعردانی، سخن‌سنجی و خبرگی او در نقد و تمیز اشعار و نیز میزان آگاهی او بر فنون شعر و شاعری و علوم بدیعی و بلاغی است.

سام میرزا به واسطه ادب‌دوستی، دستگاه فرمانروایی خود را نیز محل آمد و شد ادیبان و نویسندگانی چون قاضی احمد غفاری، مؤلف تاریخ نگارستان و مولانا نورالله از مردم فاضل هرات، شوقی یزدی و دیگران کرده بود و خود با سخنوران برجسته آن عصر مباحثه و مشاعره داشت (نک: تحفه سامی). وی فردی دیندار، آگاه، آزاده و روشن‌بین بود که با سیاستهای خشن و نامردمی دربار صفوی، چندان میانه خوبی نداشت و سرانجام هم به اتهام عصیان و طغیان، بازداشت و دربند شد و به فرمان شاه اسماعیل دوم، همراه دیگر شاهزادگان ناخرسند صفوی در سال ۹۸۴ق کشته شد.

معروف‌ترین اثر او تذکره تحفه سامی (نگارش ۹۵۷ق) است که از لحاظ شناخت شعر و ادبیات و جایگاه آن در عصر صفوی و نیز مردم‌شناسی آن دوره، کتابی درخور و قابل اعتناست. اما از دیوان او که به گفته محمدعلی تربیت شش‌هزار بیت داشته، نشانی نیست.

تحفه سامی دربردارنده شرح احوال و نمونه اشعار نزدیک به هفتصد تن از شعرای نامی و گمنام اوایل دوره صفویه است که تذکره‌نویسانی چون والده داغستانی، آذر بیگدلی و رضا قلی‌خان هدایت در آثار خود از آن بهره برده‌اند.^۱

آثار سام میرزا

تحفه سامی، به کوشش آکادمی نسخه خطی هند، ۱۷۸۷م، رحلی، ۳۰۸+۲۷۳ص (مشار، ۱: ۸۰۱).

تحفه سامی، به کوشش مولوی اقبال حسن، پتنه هند، دارالفنون هندوستان، ۱۳۱۳ش، ۱۹۳ص، با مقدمه فارسی و انگلیسی از روی نسخه‌های مشرقی پتنه (تاریخ تذکره‌ها ۱: ۱۵۵-۱۵۶؛ مشار، ۱: ۸۰۱).

تحفه سامی، به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران، ارمغان، ۱۳۱۴ش، یب + ۱۹۲ص؛ چ ۲، تهران، فروغی [۱۳۵۲]، وزیری، ۱۹۲ص، از روی نسخه ناقص مرتضی نجم‌آبادی، از ۷۲۳، شاعر اصلی، ۹۲ نفر کم دارد.

تحفه سامی، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، تهران، علمی ۱۳۴۷ش، چ ۲، [بی‌تا]، وزیری، سی‌ودو+۴۳۸ص، از روی نسخه محمد معین که اکنون در دانشگاه تهران است، نسخه شخصی عبدالحسین بیات، نسخه آستان قدس و چاپ مولوی اقبال حسن.

دیوان، محمدعلی تربیت می‌گوید که دیوانی نزدیک به شش‌هزار بیت از او دیده است (دانشمندان آذربایجان، ۲۷۵)

درباره سام میرزا و تحفه سامی^۲

کتاب

آذر بیگدلی، مصطفی بیگ، آتشکده آذر، بمبئی، ۱۲۷۷ق، ص ۱۸؛ به کوشش جعفر شهیدی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۷۷ش، ص ۱۵، ۶۸؛ به کوشش حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷ش، ۱/ ۶۲-۶۳. آژند، یعقوب، ادبیات ایران از آغاز تا امروز، تهران، گستره، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰۵، ۴۳۴، ۴۳۵.

۱. برگرفته از:

زبدت‌الآثار، محمدعلی طبری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۱-۱۴۲.

تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، علمی، [بی‌تا].

دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۷۵.

۲. نسخه‌های خطی تحفه سامی جداگانه شناسانده شده است.

آقابرگ تهران، محمد محسن، الذریعه الى تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، [بی تا]، ۳/ ۴۴۰، ۲/ ۹: ۴۲۳-۴۲۴.

اته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ش، ص ۵.

اسپناچی پاشازاده، محمدعارف، انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام (تاریخ زندگی و نبردهای شاه اسماعیل صفوی و شاه سلیم عثمانی: وقایع سالهای ۹۰۵-۹۳۰ هجری)، به کوشش رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹ش، ص ۲۷۰.

اسدی زاده، پرویز و دیگران، دائرةالمعارف دانش و هنر، تهران، اشرفی، چ ۱۰، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۳.

اسماعیل پاشا بغدادی، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، استانبول، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ستون ۲۵۰.

اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، اسماءالمؤلفین و آثارالمصنفین، استانبول، ۱۹۵۱م، ۱/ ۳۸۲؛ تهران مکتب الاسلامیه و جعفری تبریزی، ۱۳۸۷ق، ۱/ ۲۶۳.

اشپولر، مم و دیگران، تاریخ نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۸۰ش، ص ۳۲۲.

امیری هروی، سلطان محمد فخری بن محمد، تذکره ؟ سلاطین و جواهر العجایب، به کوشش حسام الدین راشدی، حیدرآباد پاکستان، انجمن ادبی سندی، ۱۹۶۸م، ۷۱/۲.

امین، محسن، اعیان الشیعه، به کوشش حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ۱۸۲.

براون، ادوارد، از سعدی تا جامی (تاریخ ادبی ایران از نیمه قرن هفتم تا آخر قرن نهم)، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، چ ۲، ۱۳۳۹ش، ص ۶۳۸، ۶۷۴، ۷۴۶.

براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا عهد صفویه تا زمان حاضر، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، چاپ سوم، ۱۳۴۵ش، ۴/ ۳۵-۳۶، ۳۱۶.

براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۷۵ش، ۴/ ۹۸-۹۷، ۲۲۰، ۳۹۱-۳۹۲.

بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، علمی، ۱۳۶۲ش، ۱ و ۲/ ۲۲۸.

پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران، خیام، چ ۴، ۱۳۶۴ش، ص

۶۶۸-۶۷۰.

تاجبخش، احمد، تاریخ صفویه، شیراز، نویدشیراز، ۱۳۷۸ش، ۲/ ۳۱۴-۳۱۵، ۳۴۹.

تاهباززاده (خیامپور)، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، تبریز، شرکت سهامی کتب، ۱۳۴۰ش، ص ۲۵۸، تهران، طلایه، [ویرایش دوم]، ۱۳۶۸ش، ۱/ ۴۳۴-۴۳۵.

تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، تهران، بی نا، ۱۳۱۴ش، ص ۱۷۶-۱۷۸، تبریز، بنیاد کتابخانه فردوسی تبریز، ۱۳۶۷ش، ص ۱۷۶-۱۷۸، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ش، ۵ و ۹/ ۲۷۴-۲۷۵.

تفضلی، آذر، و مهین فضائی جوان، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۱۹.

تمیم داری، احمد، عرفان و ادب در عصر صفوی، تهران، حکمت، ۱۳۷۲ش، ۱/ ۷۷، ۹۵، ۱۰۱.

ثواقب، جهانبخش، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸، ۱۰۶-۱۰۷، ۳۸۸.

جنابدی، میرزا بیگ، روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۱۹، ۳۳۰-۳۴۲، ۳۶۵، ۳۷۲، ۴۰۰-۴۰۱، ۴۱۰، ۴۲۱، ۴۳۷، ۴۵۶، ۴۹۲-۴۹۵.

حاج سید جوادی، کمال و دیگران، اثر آخرینان (زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰ش)، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۸ش، ۳/ ۲۱۱.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، استانبول، ۱۳۶۲ق، ۲/ ۲۶۳؛ لیدن، ۱۸۳۵م، ۲/ ۲۶۳.

حالت، ابوالقاسم، شاهان شاعر (احوال شاهان و شاهزادگان سخنور و ...)، تهران، شرکت سهامی کتب ایران، [بی تا]، ص ۲۳۵-۲۳۶.

حزین لاهیجی، محمدعلی، سفینه علی حزین، حیدرآباد دکن، [بی نا]، ۱۳۴۸ق.

حسینی استرآبادی، حسین، تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی، چ ۲، ۱۳۴۶ش، ص ۳۳، ۶۲، ۷۰.

حسینی نوزی تبریزی، محمد، ریاض الجنه، نسخه خطی



۱۴۳۱؛ ۳/۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۷.

رضازاده شفق، صادق، تاریخ ادبیات ایران، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۲ش، ص ۵۵۷، ۶۱.

رضایی، عبدالعظیم، گنجینه تاریخ ایران (صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار)، تهران، اطلس، ۱۳۷۸ش، ۳/۱۲، ۲۲.

روملو، حسن، احسن التواریخ، به کوشش چارلس نارمن سیدن، کلکته، ۱۹۳۱م؛ افست، تهران، شمس، ۱۳۴۷ش؛ افست، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۴۷ش، ص ۲۶۰-۲۶۳؛ به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ش، ص ۶۸۲، ۸۱۶.

ریبکا، یان و دیگران، تاریخ ادبیات ایران (پژوهشی درباره دگرگونی تاریخی زبان و ادبیات فارسی تاجیکی از زمان باستان تا آغاز سده ۲۰م)، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، گوتنبرگ، جاویدان خرد، ۱۳۷۰ش، ص ۵۰۹.

ریبکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش، ۱/ ۴۶۷، ۵۲۶؛ ۲/ ۷۸۳-۷۸۲، ۸۵۵، ۸۶۱، ۹۲۸.

زرین کوب، عبدالحسین، آشنایی با نقد ادبی، تهران، سخن، ۱۳۷۲ش، چ ۲، ص ۹-۸، ۴۳۷.

زرین کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران (مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر)، تهران، الهدی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۴.

سادات ناصری، حسن، سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ش، ۱/ ۴۲۸-۴۳۰.

سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، استانبول، [بی‌نا]، ۱۳۰۶-۱۳۱۶ق، ۴/ ۲۵۱۰.

سام میرزا صفوی، تحفه سامی، به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران، ارمغان، ۱۳۴۱ش، ص ۴۷، ۱۹۱ به کوشش رکن‌الدین همانفرخ، تهران، علمی، چ ۲، [بی‌نا]، ص ۳۷۶-۳۸۰.

سرمدی، عباس، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام (از مانی تا معاصرین کمال‌الملک)، تهران، هیرمند، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷۱.

سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، چ ۴، ۱۳۷۴ش، ص ۴۶، ۵۷، ۲۰۶.

سیوری، راجر، در باب صفویان، ترجمه رمضان‌علی

کتابخانه ملی تبریز، روضه پنجم، قسم دوم، ص ۸۰۶.

حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (از آغاز قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری: از دشتکی تا نراقی)، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸ش، ج ۴، بخش ۱: ۶-۸، ۶۸، ۷۹، ۱۱۵-۱۱۸، ۱۵۵، ۱۷۴، ۲۲۵.

حقیقت، عبدالرفیع، فرهنگستان شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸ش، ص ۴، ۲۶۳.

خانلری (کیا)، زهرا، راهنمای ادبیات فارسی (فرهنگ اعلام و اصطلاحات)، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۱ش، ص ۱۰۰، ۱۹۷-۱۹۸.

خان بهادر، محمدصدیق حسن، شمع انجمن، هندوستان، [بی‌نا]، ۱۲۹۳ق، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ به کوشش محمدکاظم کههدویی، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۵ش، ص ۳۱۳-۳۱۴.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، به کوشش: محمددبیر سیاقی، تهران، خیام، چ ۳، ۱۳۶۲ش، ۴/ ۵۵۵، ۶۱۶.

خوشگو، سفینه خوشگو، نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲۷۲۴، حرف س.

دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران (دوره صفویان)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰ش، ص ۷، ۵۰۶، ۵۴۷، ۵۶۴-۵۶۵.

دایی جواد، محمدرضا، تاریخ ادبیات ایران (از حمله مغول تا نیمه اول دوره صفویه - از کمال تا صائب)، اصفهان، شرکت مطبوعات (تأیید)، [بی‌نا]، ۱/ ۲۱۶، ۲۷۱، ۲۷۴.

دوست سنبلهلی، میرحسین، تذکره حسینی، لکهنو، ۱۲۹۲ق، ص ۱۴۸.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیرنظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ جدید، ۱۳۷۳ش، ۱۱۷۷۶-۱۱۷۷۸.

رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، به کوشش محمدرضا طاهری (مسرت)، تهران، سروش، ۱۳۷۸ش، ۱/ ۱۵۴، ۲۲۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۵، ۲۸۰، ۷۲۵؛ ۲/ ۶۷۷، ۷۳۴، ۷۹۹، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۹۷، ۹۹۹، ۱۰۲۴، ۱۰۳۵، ۱۰۴۵، ۱۰۶۰، ۱۰۸۰، ۱۰۸۳، ۱۱۴۴، ۱۱۹۵-۱۱۹۶، ۱۲۰۱، ۱۴۱۵، ۱۲۱۷، ۱۲۲۷-۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۶۰، ۱۲۹۱، ۱۳۳۰، ۱۳۵۱، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۲۳، ۱۴۴۶.

عبرتی عظیم آبادی، وزیرعلی، معراج‌الخیال، نسخه خطی دانشگاه لاهور.

علی ابراهیم خان (خلیل)، صحف ابراهیم، عکس نسخه خطی کتابخانه برلن، برگ ۱۵۵، ش ۱۶۷ (خیامپور، ۱/۴۳۵).

عمید، حسن، فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ و اطلاعات عمومی، تهران، جاویدان، [بی تا]، ص ۴۹۰.

فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنسی، تذکره میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، چ ۵، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۵۹.

فخری هراتی، روضه‌السلطنین، به کوشش سید حسام‌الدین راشدی، حیدرآباد هند، ۱۹۶۸ م، ص ۷۱؛ به کوشش عبدالرسول خیامپور، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ ش، ص ۷۱.

قدرت‌الله گوپاموی، محمد، نتایج‌الافکار، بمبئی، کتابفروشی خاضع، ۱۳۳۶ ش، ص ۳۳۱-۳۳۲.

قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران (از ورود آریایی‌ها تا پایان عصر پهلوی)، تهران، آرون، چ ۲، ۱۳۸۱ ش، ۱/۲۴۱، ۴۵۰.

قزوینی، ابوالحسن، فواید‌الصفویه (تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه)، به کوشش مریم میراحمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷ ش، ص ۲۸.

گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، سنایی، چ ۲، ۱۳۶۳ ش، ۱/۱۵۵-۱۵۷، ۴۱۹، ۶۲۱، ۷۱۹، ۷۲۶؛ ۲/۱۱۹، ۱۴۸، ۲۷۹، ۴۳۴، ۷۲۳، ۷۲۹.

گلچین معانی، احمد، کاروان هند، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش، ۱/نه، بیست، ۲۱، ۱۱۶، ۳۲۵، ۳۴۹، ۳۷۱، ۴۲۳، ۵۱۴، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۶۳، ۷۹۴، ۷۹۵؛ ۲/۹۳۳، ۱۰۲۶، ۱۱۶۹، ۱۱۹۳، ۱۲۶۴، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۵۵۹، ۱۵۷۲.

مبارک علامی، ابوالفضل، اکبرنامه، کلکته، ۱۸۸۶ م، ۳/۷۴۹.

مدبری، محمود، فرهنگ کتابهای فارسی از قرن چهارم تا ۱۳۰۰، تهران، ویس، ۱۳۶۴ ش، ۱/۱۶۰.

مدرس خیابانی تبریزی، محمدعلی، ریحانة‌الادب فی تراجم‌المعروفین بالکنیه او للقب یاکنی و القاب، تهران،

روح‌الهی، تهران، مرکز، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۴، ۸۷، ۱۰۷، ۲۹۴.

سیوری، راجر و دیگران، صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۴، ۶۱، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۵۷، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۴۷-۲۴۸، ۲۷۸.

شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمود سیستانی، خیرالبیان، نسخه خطی برگ ۲۰ (خیامپور، ۱/۴۳۵).

شاه طهماسب صفوی، تذکره شاه طهماسب، به کوشش امرالله صفری، تهران، شرق، چ ۲، ۱۳۶۳ ش، ص ۳، ۵، ۱۳، ۱۴، ۲۴، ۳۴، ۳۵، ۳۶؛ چاپ برلین، ۱۳۴۳ ق، ص ۱۶، ۱۷، ۲۵.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادبیات فارسی از عصر جللی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۳.

شیخ مفید (داور)، تذکره مرآت‌الفصاحه (شرح حال و نمونه اشعار شاعران فارس از قدیم‌ترین زمان تا قرن چهاردهم هجری) به کوشش محمود طاوسی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۴۰، ۲۱۷.

صادق بیگ افشار، تذکره مجمع‌الخواص، ترجمه عبدالرسول خیامپور، تبریز، [بی تا]، ۱۳۲۷ ش، ص ۲۴.

صدر حاج‌سیدجوادی، احمد و دیگران، دائرة‌المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۳ ش، ۴/۱۶۵؛ ۶/۳۷-۳۸.

صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی (از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری)، تهران، فردوس، چ ۵، ۱۳۷۸ ش، ج ۵، بخش ۱/۴۹۸، بخش ۳/۱۶۵۹-۱۶۶۳ و صفحات فراوان دیگر، ج ۴، چ ۱۰، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۸، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۹ و صفحات دیگر.

صفا، ذبیح‌الله، خلاصه تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۱.

صلاحی، عمران، خنده‌سازان و خنده‌پردازان، تهران، علم، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۲۴-۱۴۰.

عبدی بیگ شیرازی (نویدی شیرازی)، تکملة‌الخبار، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، نی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۱-۱۴، ۱۹، ۲۲، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۶-۶۸، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۶-۸۸، ۱۳۰، ۱۶۸، ۱۸۸، ۲۳۲-۲۳۷.

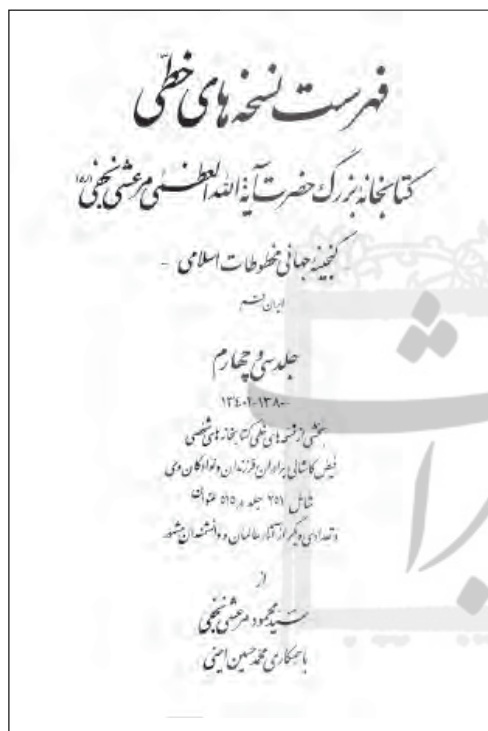


نوابی، میر نظام‌الدین علیشیر، تذکره مجالس النفاثس، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۶۳ش، ص ۷۰.

نیساری، سلیم، تاریخ ادبیات ایران (تاریخ ادبیات پیش از اسلام و بعد از اسلام از صدر اسلام تا حمله مغول)، تهران، اقبال، چ ۶، ۱۳۳۳ش، ۷۹/۱.

واله داغستانی، علی قلی خان، ریاض الشعراء نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، عکس نسخه خطی موزه بریتانیا، برگ ۱۶۹.

هدایت، رضا قلی خان، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش، ۸/۶۳۶۸.



هدایت، رضا قلی خان، فهرس‌التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوابی و میر هاشم محدث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۱۰، ۲۲۹، ۲۵۷.

هدایت، رضا قلی خان، مجمع‌الفصحاح در تذکره شعراء تهران، [بی‌نا]، ۱۲۹۵ش، ۱/۳۱؛ به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶ش، ۱/خ، د، ۵۸-۵۹.

هدایت، محمود، گلزار جاویدان، تهران، [بی‌نا]، [بی‌تا]، ۵۹۵/۲.

[بی‌نا]، ۱۳۲۶-۱۳۲۷ش، ۲/۱۵۱؛ تهران، خیام، [بی‌تا]، ۴۱۶/۲؛ تهران، خیام، چ ۳، ۱۳۶۹ش، ۱/۴۱۶.

مشار، خانابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ش، ۱/۸۰۱؛ دوره ۵ جلدی، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۵۰ش، ۱/۱۲۰۷.

مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۴۱ش، ج ۳، ستون ۲۸۶.

مصاحب، غلامحسین، دائرةالمعارف فارسی، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۵ش، ۱/۶۱۵، ۱۲۴۶.

میرزا محمد، تاریخ سلاطین صفویه، به کوشش امیرحسن عابدی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱ش، ص ۳۶-۳۷.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چ ۱۴، ۱۳۷۸ش، ۵/۷۲۰.

منزوی، احمد، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶ش، ۳/۱۸۶۲-۱۸۶۳.

منشی، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش محمد اسماعیل رضوان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ش، ۱/۷۴، ۷۵، ۸۴، ۱۰۳-۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۶۲-۱۶۳، ۱۴۹-۱۴۸.

موریس، جرج و دیگران، ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰۵، ۴۳۴.

مهرین (شوشتری)، عباس، تاریخ زبان و ادبیات ایران از عصر ایلخانان مغول تا کریم خان زند، [بی‌جا]، مانی، [بی‌تا]، ص ۵۴.

نصرآبادی، محمداطهر، تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد موفق یزدی، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۷۸ش، ص ۵.

نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران، فروغی، ۱۳۴۴ش، ۱/۳۷۹-۳۷۷.

نقوی، سید علیرضا، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، علمی، ۱۳۴۳ش، ص ۸، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۸۶، ۳۳۷، ۴۲۶، ۷۹۶، ۵۱۹، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۳۸، ۷۰۵، ۷۱۷-۷۱۶، ۷۷۰.

نوابی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب‌السیر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ ۲، ۱۳۷۹ش، ص ۱۷، ۱۹، ۲۱-۲۲، ۲۸، ۲۹۱.

مقالات

استوری، چارلز، «تذکره شعرا» ترجمه تقی بینش، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، س ۳، ص ۲۴۶-۲۵۱.

دامادی، محمد، «ادبی نقادی از دیار آذربادگان» در کتاب مجموعه سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، تبریز، دانشگاه آذربادگان، ۱۳۵۷ش، ۲/۲۰۷-۲۲۴.

دولت آبادی، عزیز، «پاره‌ای از اشتباهات تذکره‌نویسان و محققان درباره سخنوران آذربایجان» در کتاب مجموعه سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، تبریز، دانشگاه آذربادگان، ۱۳۵۷ش، ۲/۲۶۵-۲۷۳.

عبدالله، سعید، «فارسی تذکرون متن تنقیدی عنصر، الف: لباب‌الباب عوفی کامطالع، ب: تذکره دولت‌شاه کامطالع، ج: تحفه سامی کامطالع» مباحث: در کتاب سید عبدالله؟، لاهور،؟، ادب، ۱۹۶۵ اردو، ص ۴۴۳-۴۸۳.

قاضی، م. ج، «سام میرزا و تحفه سامی» *Indo-Iranica* ج ۱۵، ۱۹۶۰م، ص ۶۸-۸۹.

گلستانی، حسین، «از تذکره‌ها» ماهنامه گل آقا. مولوی، محمد شفیع، «اقتباسات تحفه سامی راجع به هنروران» اورینتل کالج مگژین، لاهور پاکستان، ج ۱۰، ش ۲، نوامبر ۱۹۳۳م، اگست ۱۹۳۴م، ص ۷۳-۱۲۸. مولوی، محمد شفیع، «اقتباسات تحفه سامی درباره خط و خطاطان»، مقالات مولوی محمد شفیع، به کوشش احمد ربانی، لاهور، مجلس شرقی ادب، ۱۹۷۰م، ۱/۸۵-۱.

نسخه‌های خطی تحفه سامی

الف. نسخه‌های شناخته‌شده

۱. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد)، ش ۴۱۹۸ (کتب تاریخ، ش ۱۵۷). نستعلیق فارسی (ماوراءالنهری) از اواخر قرن دهم هجری، ۱۵۸ برگ، وقفی حاج قائم مقام، صفحه اول و آخر تازه‌نویس است. آغاز:

الله الحمد قبل کل کلام

صفات الجلال و الاکرام

انجام:

محب آل علی باد سرفرزا جهان

عدوی آل علی باد دست و خوار و نزار

(رؤیت، فهرست دو کتابخانه مشهد، ص ۶۳۵، فهرست

الفبایی آستان قدس، ۱۱۳، فهرست کتابهای خطی آستان قدس، ۷/۴۸).

۲. انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، شمار، ثبت ۵۷۷۸. b، کاتب ناشناس، کتابت سده ۱۱ق، ۱۳۴ برگ (فهرست انستیتو آذربایجان، ص ۵۳).

۳. انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، شماره ثبت ۵۱۱۹. b، خط مصطفی بن جارالله مشهور به بیانی، ۹۷۵ق، ۱۴۶ برگ (فهرست انستیتو آذربایجان، ص ۵۳)

۴. کتابخانه بروسه ترکیه، ش ۱۰۸۹، (خراجچی)، کاتب ناشناس، نستعلیق، گویا قرن ۱۱ق، ۱۳۹ گ.

آغاز: برابر اصل

انجام موجود:

چرا که عمر چو باد بهار می‌گذرد

غنیمت است دمی صحبت گل و گلزار

(فهرست بروسه، ۳۰).

۵. کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان تفلیس، کاتب ناشناس، نستعلیق، گویا ۹۰۸ق، از برگ ۱۸ تا ۱۳۳. با پیکره زن و مرد در یک مجلس، با تاریخ تألیف: «نهد ار هشت بر وی فزایی» (نشریه نسخه‌های خطی فارسی، ۱۹۷/۸).

۶. مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، شماره ثبت ۱۱۶ B، برگ ۲۶۲ تا ۳۳۲. انجام: افتاده

(فهرست فرهنگستان روسیه، ص ۶۶)

۷. مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، شماره ثبت ۱۱۸ B.

آغاز و انجام: افتاده.

(فهرست فرهنگستان روسیه، ص ۶۶)

۸. دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ش ۱۸۷ ج. به خط نستعلیق پایان ربیع‌الاول ۹۷۶ق از مصطفی بن اویس در دارالقرآ، ۱۲۷ برگ.

این نسخه پس از دو نسخه مورخ ۹۶۸ و ۹۷۱ق هند از کهن‌ترین نسخه‌های مورخ است. اشعار و یادداشتهای ۱۲۷۸، ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴ق در پایان آن آمده و در سال ۱۲۹۸ق از آن کتابخانه صنایع‌الدوله بوده است. سرگذشت ۶۶۶ شاعر.

انجام: برابر اصل



کراش میراث

آغاز و انجام: برابر اصل.
 (فهرست کتابخانه‌های ترکیه، ص ۱۵۶).
 ۱۶. کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی، ش ۱۴۴/۱۸، قرن ۱۱ق،
 ۱۳۶ برگ. در فهرست دیگر آن کتابخانه به شماره ۸۱،
 نستعلیق زیبا، بی‌تا، و ۱۲۷ برگ آمده است.
 آغاز و انجام: افتاده.
 (فهرست کتابخانه گلپایگانی، عرب‌زاده، ۱۴۶ / فهرست
 گلپایگانی، اشکوری، ۸۷)
 ۱۷. کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۱). در مجموعه
 ش ۵۶۴۸، به خط شکسته تحریری، بی‌تا، بخش نخست
 ص ۲-۲۶۲.
 آغاز موجود: اللهم و بارک علیه و ارزفنا درجه السفاعة.
 انجام موجود:
 چون سر نزد از صفای خاطر سخنم
 گرد سخن اهل صفا می‌گردم
 (فهرست مجلس، ۱۷ / ۱۰۴-۱۰۵)
 ۱۸. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲ (سنایی
 سابق)، ش ۶۱۳، نسخ ابراهیم‌بن مصطفی، یک پسر
 یالتجی محمد در ۲۲ شوال از سده ۱۲ق، ۱۵۷ برگ.
 با تملک مصطفی حسنی، با یادداشت ملا ابوالقاسم
 متخلص به میرزا در اصفهان با چهار صفحه فهرست.
 (فهرست مجلس سنه ۱ / ۳۹۷، نسخه‌های خطی، ۷ /
 ۶۶۷-۶۶۸).
 ۱۹. کتابخانه مجلس شورای اسلامی ش ۲ (سنای سابق)،
 ش ۵۲۸، نستعلیق سده ۱۰ ق، ۱۱۶ برگ، نسخه پس و
 پیش است.
 آغاز و انجام: افتاده
 (فهرست مجلس سنه ۱ / ۳۲۶؛ نسخه‌های خطی، ۷ /
 ۶۲۸-۶۲۹).
 ۲۰. مخطوطات محمدشفیع لاهور، ش ۱۰۶ / ۲۴۱،
 نستعلیق نظام‌الدین احمد، در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۱۹۷ق در
 کلکته، ۱۱۸ برگ.
 آغاز: برابر اصل.
 (فهرست مشترک پاکستان، ۱۱ / ۷۳۴-۷۳۵، نقل از: بشیر
 حسین، ۱ / ۱۰۱)
 ۲۱. کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)، ش
 ۱۱۰۵، نستعلیق گویا ۹۸۳ق، ۱۷۴ برگ.
 (فهرست سپهسالار، ۲ / ۴۶۳-۴۶۲).

(فهرست دانشکده حقوق، ص ۴۲).
 ۹. کتابخانه دانشگاه استانبول، نستعلیق ممتاز، گویا قرن
 ۱۱ق، ۱۷۱ برگ.
 آغاز و انجام: برابر اصل
 (فهرست دانشگاه استانبول، ص ۴۱۵)
 ۱۰. کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره TUK. Fr 714
 نستعلیق ممتاز، گویا قرن ۱۰ق، ۹۳ برگ.
 آغاز: برابر اصل.
 انجام موجود: شیخ جمال‌الدین از وروجرد همدان است و
 مرید نوربخشیان بود و مرد صوفی.
 (فهرست دانشگاه استانبول، ص ۳۲۱)
 ۱۱. دانشگاه پنجاب پاکستان، گنجینه آذر، ش H-102،
 نستعلیق خوش صفر ۹۹۶ق، ۱۳۳ برگ.
 (فهرست مشترک پاکستان، ۱۱ / ۷۳۵ نقل از: خضر
 نوشاهی، ص ۴۴۴).
 ۱۲. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. در مجموعه شماره
 ۲۵۹۱، نستعلیق سده ۱۱ق، حاشیه ص ۱۸۸ تا ۳۰۴.
 منشآت و منظومات گردآورنده آقا محمد معینایی اردوبادی
 پسر حاجی محمدخان که در ۱۱۰۹ق آغاز کرده و خط
 دیگران است. خط مهدی شاعر مورخ ۱۲۶۳ق هم در آن
 است (ص ۶۹) در سال ۱۲۵۸ق از آن کسی بوده است
 (ص ۱۰۰).
 (فهرست دانشگاه تهران، ۹ / ۱۳۹۵ و ۱۴۱۳)
 ۱۳. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۰۰۷، نستعلیق
 سده ۱۰ق، ۴۵ برگ. یادداشتی دارد از سلمان مورخ
 ذی‌قعدة ۱۰۵۲ق. نسخه اندکی پیش از سرگذشت بابا
 نصیبی است و پاره‌ای از شعرهای شعرا در هامش افزوده
 شده است. گویا از همان سلمان است. تا نیمه سرگذشت
 هلالی. صحیفه هشتم پیش از صحیفه پنجم آمده و نسخه
 آشفته و پس و پیش است.
 آغاز و انجام: افتاده.
 (فهرست دانشگاه تهران، ۱۰ / ۱۹۳۶-۱۹۳۷)
 ۱۴. کتابخانه دانشگاه لس آنجلس، شماره C. 130. نسخ
 ترکی محمدبن ابراهیم و راداری در میانه ربیع‌الثانی
 ۹۹۵ق.
 (نسخه‌های خطی، ۱۱-۱۲ / ۱۵).
 ۱۵. کتابخانه راشد افندی ترکیه، شماره ۹۲۳، نستعلیق،
 کتابت ۹۹۰ق، ۲۲۰ برگ، وقف راشد افندی است.

التواریخ، عارف، حکمت، ذبیقده ۹۸۷ق در قسطنطنیه، ۱۱۶ برگ با مهر تملک ابراهیم بن محمد بن خلیلی، و محمد بن شیخ شکرگی شهری و سلیمان میر رفعت.

(نسخه‌های خطی، ۵/۵۶۷)

۲۹. کتابخانه ملی ملک، ش ۳۸۴۸، نستعلیق تحریری قرن ۱۱ق، ۱۷۶ برگ..

آغاز: برابر اصل.

انجام موجود: احوال لوندی قصه‌خوان از وروجردی است که قصبه‌ای است از ولایت همدان، عامی است.

(رؤیت؛ فهرست ملک، ۲/۱۰۹)

۳۰. کتابخانه ملی تهران، در مجموعه خطی ش ۸۰۵/۲، شکسته نستعلیق، جمادی‌الآخر ۱۰۰۳ق، کاتب دولت‌شاه

ابن علاءالدوله بن بختی شاه الغازی، ص ۲۰۹ تا ۵۰۲.

آغاز و انجام: برابر اصل.

(رؤیت/ فهرست ملی، ۲/۳۴۱-۳۴۲؛ نسخه‌های خطی، ۱۶/۲۵۱).

۲۲. کتابخانه مراد ملای ترکیه، ش ۱۵۱۹، ج ۱۲۱۳، نستعلیق شیخ محمدعلی الشهیر به شفیعی، ۹۹۲ق در قسطنطنیه، ۱۳۷ برگ.

اگر تاریخ فوت سامی ۹۵۷ق باشد، این نسخه هفده سال پس از مرگ او کتابت شده و از این جهت نسخه قابل اعتنایی است. تعداد شعرای این نسخه ۶۳۳ نفر است.

آغاز و انجام: برابر اصل.

(فهرست کتابخانه‌های ترکیه، ۵۱۷ و ۵۵۳).

۲۳. کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ش ۳۶۷۴، نستعلیق، دوازدهم رمضان ۹۷۹ق، دوپست برگ، با فهرست نام است.

آغاز: برابر اصل.

انجام موجود: چرا که عمر چو باد بهار می‌گذرد غنیمت است دمی صحبت گل و گلزار

(فهرست مرعشی، ۱۰/۶۷۶۸)

۲۴. کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ش ۷۵۳۱، نستعلیق، رمضان ۹۹۶ق، ۱۶۷ برگ.

آغاز موجود: طبع بیکران بساحل ظهور می‌رسانید، لهذا این شاه بیت ...

انجام: برابر اصل.

(فهرست مرعشی، ۱۹/۳۳۷).

۲۵. کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ش ۱۲۰۹۶، نستعلیق قدیم، نیمه ماه صفر ۹۹۸ق، کاتب محمدفرزند عبدالکریم، ۱۷۳ برگ. با مهر العبد محمد طاهر.

آغاز: برابر اصل

انجام:

چرا که عمر چو باد بهار می‌گذرد

غنیمت است دمی صحبت گل و گلزار

(فهرست مرعشی، ۳۰/۵۲۲-۵۲۳).

۲۶. کتابخانه مسجد اعظم قم، ش ۱۱۳۴، تحریر سده ۱۱ق.

آغاز: افتادگی دارد.

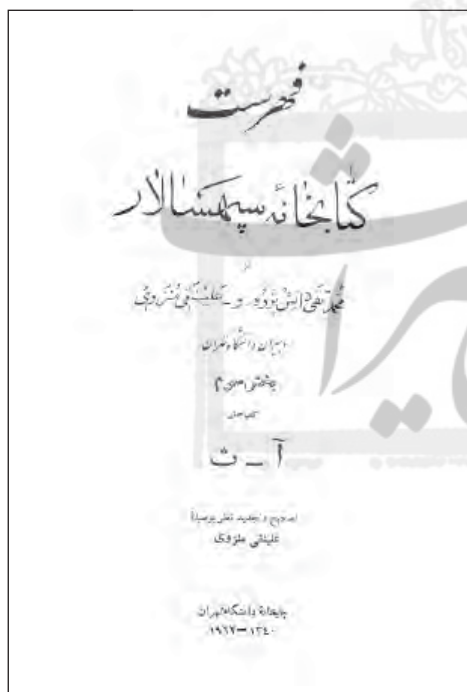
(فهرست مسجد اعظم، ص ۶۷).

۲۷. کتابخانه مغنیسا ترکیه، ش ۶۳۸۱، نستعلیق ممتاز سنه ۹۷۳ق، ۱۶۴ برگ. در آغاز فهرست دارد.

آغاز و انجام: برابر اصل.

(فهرست مغنیسه، ص ۳۰).

۲۸. کتابخانه مکه (مکتبه مکه المکرمه)، ش ۵۴۴ بخش



۳۱. کتابخانه ملی تهران، شماره ۸۹۶ (پیشتر شماره ۶۶۸ بوده) نستعلیق تحریری ۲۸ رمضان ۹۷۲ق، کاتب عهدی بن شمس‌البغدادی، در قسطنطنیه، ۱۳۷ برگ. مالک نوشته تحفه شاهی، صفحه اول: مهر ناصرالدین شاه قاجار.

آغاز و انجام: برابر اصل.



۴. کتابخانه شخصی سیدعبدالرحیم خلخالی، به خط نستعلیق کاتب و تاریخ ندارد، اول و آخر ناقص. (مقدمه مینوی بر نسخه خود).

پ. نسخه‌های ناشناخته

نگارنده مشخصات ناقص ۴۳ نسخه خطی تحفه سامی موجود در کتابخانه‌های جهان را در اختیار دارد که به دلیل عدم مشخصات کامل نسخه از ذکر آن چشم پوشید. تا در آینده‌ای نزدیک و از طریق دسترسی به فهرستهای آن کتابخانه‌ها، مشخصات کامل آن را درج کند.

ت. عکس و میکروفیلم

۱. میکروفیلم شماره ۵۱۳۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از روی نسخه خطی مونیخ شماره ۲. (فهرست میکروفیلمها ۳/۱۳۶).
۲. میکروفیلم شماره ۲۹۳۵ و نسخه عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، از روی نسخه کتابخانه مینوی. (رؤیت).

منابع و مأخذ

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استاد، قم، کتابخانه مسجد اعظم، ۱۳۶۵ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، اوف اکیمو شکین و دیگران، ترجمه عارف رمضان، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، عبدالله انوار، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۴۷ ش، ج ۲.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حایری، تهران، کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۴۸ ش، ج ۱۷.
- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، محمدباقر حجتی و احمد منزوی، تهران، کتابخانه ملک، ۱۳۵۴ ش، ج ۲.
- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ضیاءالدین ابن یوسف حدائق شیرازی، تهران، مدرسه عالی سپهسالار، ۱۳۱۸ ش، ج ۲.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، احمد حسینی اشکوری، قم،

(رؤیت/ فهرست ملی، ۲/ ۴۳۲-۴۳۳/ نسخه‌های خطی، ۲۴۹/۲۵۱)

۳۲. موزه ملی پاکستان (کراچی)، شماره ۳۷/۲. N.M. ۱۹۵۸ نستعلیق خوش، کاتب محمدمقیم‌بن حاجی کمال اصفهانی، ۱۴ رجب ۱۱۵۷ق، در شاهجهان‌آباد هند، برگ ۳۳۹ تا ۴۶۱).

(فهرست مشترک پاکستان، ۱۱/ ۷۳۵ از روی فهرست موزه، ۱/ ۲۳۵ و فهرست نوشاهی، ۷۹۷).

۳۳. کتابخانه مجتبی مینوی، شماره ۶۷، نسخ بسیار زیبا در رجب ۱۱۷۴ق، ۱۴۳ برگ، با مقابله و تصحیح و تکمیل مجتبی مینوی با نسخه نزد عبدالرحیم خلخالی، استنساخ از روی نسخه مورخ ۲۷ ذی قعدة ۹۵۸ق در مشهد، با مهر اهدایی احتشام العلماء به مینوی.

آغاز و انجام: برابر اصل

(رؤیت؛ نسخه‌های خطی، ۱۶/ ۶۴۰؛ فهرستواره کتابخانه مینوی، ۱۶؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی).

۳۴. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۹ ج، شکسته نستعلیق، سده ۱۰ و ۱۱ق، ۲۲۵ برگ. سرگذشت ۶۶۶ شاعر در شش صحیفه آن آمده است. نسخه در ۱۳۱۸خ از آن محمد هادی دامغانی و در پاریس در ۱۲۷ اکتبر ۱۳۳۸خ نزد عباس اقبال بوده و یادداشتهای قزوینی در آن است. اقبال برای آن فهرست شاعران نوشته و حواشی او در شرح لغات در آن دیده می‌شود. در یادداشت قزوینی آمده: از روی نسخه پاریس علاوه کردم. صحیفه اول و خاتمه را ندارد.

آغاز موجود: عسکری میرزا، از اولاد امجاد بابر.

انجام: برابر اصل.

(رؤیت؛ فهرست ادبیات، ۱/ ۸۵-۸۷).

ب. نسخه‌های شخصی

۱. کتابخانه شخصی همایون صنعتی‌زاده، نستعلیق ۹۷۹پ. (نسخه‌های خطی، ۷/ ۷۹۹)
۲. کتابخانه شخصی عبدالحسین بیات، تحریر حدود ۹۶۸ تا ۹۷۵ق. (تاریخ تذکره‌ها، ۱/ ۱۵۶؛ مقدمه همایونفرخ، بیست و نه).
۳. کتابخانه شخصی مرتضی نجم‌آبادی، در تهران. (تاریخ تذکره‌ها، ص ۱۵۶، مقدمه وحید دستگردی).

کتابخانه مرعشی، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۹ش، ج ۱۰ و ۱۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی، احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه گلپایگانی، ۱۳۵۷ش، ج ۱. فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس سنا، محمدتقی دانش‌پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین علمی انواری، تهران، کتابخانه مجلس سنا، [بی‌تا]، ج ۱. فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش، ج ۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشکده تهران، ۱۳۳۹ش، ج ۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، [بی‌تا]. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش، ج ۹ و ۱۰. فهرست نسخه‌های خطی فارسی در انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان (فهرست نامگو)، محمدتقی دانش‌پژوه و دیگران، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰ش. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی، ابوالفضل عرب‌زاده، قم، دارالقرآن کریم، ۱۳۷۸ش. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس

رضوی مشهد، محمد آصف فکرت هروی، کتابخانه مرکزی آستان قدس، ۱۳۶۹ش. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، احمد گلچین معانی، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۴۶ش، ج ۷. فهرست نسخه‌های خطی دو کتابخانه مشهد، کاظم مدیر شانه‌چی و دیگران، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۱ش. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، محمود مرعشی نجفی و دیگران، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۸۰ش، ج ۳۰. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، لاهور، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۹ش، ج ۱۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مغنیه توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بروسه ترکیه، توفیق هاشم‌پور سبحانی، گیلان، دانشگاه گیلان، ۱۳۶۸ش. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، توفیق هاشم‌پور سبحانی و حسام‌الدین آق‌سو، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴ش. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، توفیق هاشم‌پور سبحانی و حسام‌الدین آق‌سو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ش. ■

